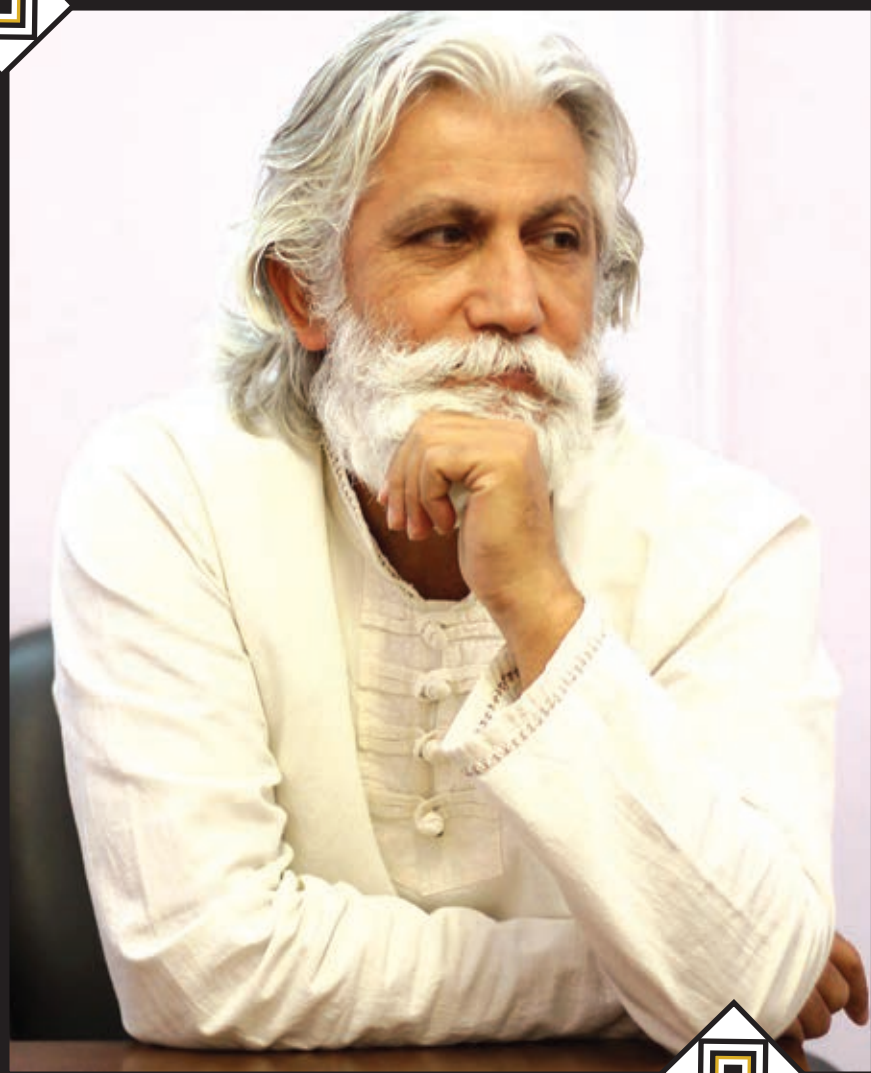


گپ وگفتی با حمید ظهوریان، از گرافیک

هنرمند و حل



باختری - زندگی هنری و حرفه‌ای حمید ظهوریان را سه ضلع نقاشی، خوشنویسی و گرافیک تشکیل داده و او در میانه این مثلث زیسته است. او سال‌ها با این سه ضلع همراه بوده و هنوز هم حس می‌کند کارهای زیادی دارد که باید ادامه دهد. آدم جشنواره‌ای و جایزه‌بگیر نیست. قرآن نفیسی هم با بهره‌از تذهیب در قطع و شمایل نو با خط فارسی تهیه کرده و منتظر اسپانسر است تا بتواند آن را به جامعه اسلامی هدیه کند. دلش در پی این است که شهر مشهد از شلوغی‌ها و شلخته‌کاری‌ها دور شود و همه توانمندی‌ها برای بهتر شدن وضعیت بصری شهر به خدمت گرفته شوند. با او در دفتر کارش در خیابان صدف که پر است از آثار هنری که در ترکیبی آرامش بخش در کنار هم چیده شده‌اند گفت‌وگو کردیم، در دوسوی میز و صندلی چوبی که دست‌ساز است و کار خود آقای گرافیکست.

اگر مدیر هنری شهر ضعیف باشد
لاجرم سفارشی
نامتناسب به
هنرمندان می‌دهد
و هنرمندان خوب
و ممتاز معمولاً
این کار را قبول
نمی‌کنند و کار
به دست افرادی
می‌افتد که
کارشان نیستند

«در ابتدا پیشینه‌های کوتاه از خودتان بفرمایید.

من حمید ظهوریان متولد سال ۱۳۴۲ شهرستان نیشابور هستم. حدوداً از سال ۱۳۶۰ هنر نقاشی و خوش‌نویسی را آغاز کردم. با توجه به علاقمند بودنم به هنر گرافیک این رشته هنری را از آن سال‌ها تا امروز ادامه دادم. همان زمان با هنر دیرینه تذهیب هم آشنا شدم و در این بخش هم کار می‌کردم. ترکیب گرافیک و هنر دیرینه ایرانی از همان دوره برایم اتفاق افتاد. این سال‌ها در عرصه «لوگو تایپ» (لوگو و لوگو تایپ نشانه یا علامتی گرافیکی است که توسط سرمایه‌داران تجاری، موسسات و حتی اشخاص حقیقی، برای متمایز کردن خود از دیگران در دید عموم، استفاده می‌شود) بسیار فعالیت داشتم و هم اکنون بیشتر در حوزه مشاور این هنر فعالیت می‌کنم.

«خوشنویسی، نقاشی و گرافیک سه هنری هستند که شما به آنها پرداخته‌اید، اما بیشتر به

گرافیکست شناخته می‌شوید.

تا پیش از گرافیک حس می‌کردم دست و بال هنری ام بسته است. گرافیک آسمانی باز و فراخ را برآیم به ارمغان آورد. در سال ۱۳۶۸ یک‌یکی از دوستانم کار «لوگو» انجام می‌داد، من حرفه او را دیدم و با توجه به این که گرافیک یک حرفه با سواد بصری بسیار قوی بود و می‌توانست دیدگاه من را نسبت به هنر عوض کند، شیفته این حرفه شدم. هنر گرافیک از سواد بصری بسیار بالایی برخوردار است، با توجه به توانمندی بالای هنر گرافیک در بیان هنری و تسلطی که در هنر نقاشی و خوشنویسی کسب کرده بودم، گرافیک توانست مهارت کاری مرا افزایش بدهد و این هنر به دلیل ارتباط خوبی که با جامعه برقرار کرده می‌توان از آن به عنوان هنر نوین یاد کرد.

«چرا اینقدر به گرافیک علاقه‌مند شدید؟

از نظر من هنر گرافیک نسبت به نقاشی و خوشنویسی وسعت بیشتری دارد، زمانی که

من به این هنر روی آوردم قدرت شناخت رنگ، شناخت تصویر و هنر بصری را در من قوی کرد و توانستم در عرصه نقاشی و خوشنویسی بسیاری از آثار را تجزیه و تحلیل کنم. من بعد از آن از دریچه گرافیک به خط و نقاشی ایرانی نگاه کردم و به نظر من گاهی ظریف‌تر و کاربردی‌تر به خود گفتم.

«اصولاً گرافیک یعنی چی؟

گرافیک از ریشه کلمه یونانی graphikos گرفته شده است و به معنای نوشتن، طرح کشیدن و حکاکی کردن است و یا به تعبیری هر کار یا شیوه مربوط به کشیدن تصویر از روی یک چیز را شامل می‌شود. در هنر گرافیک شما موظف هستید نقش‌ها و تصاویر را طوری طراحی کنید که در اولین نگاه مخاطب به آسانی درک کامل محتوا را داشته باشد.

«نقاشی و خوشنویسی را از کجا شروع کردید؟

بنا به علاقه زیادی که از کودکی به هنر نقاشی و خوشنویسی داشتم قبل از انقلاب در «کانون فرهنگ و هنر» مشغول یادگیری نقاشی و خوشنویسی شدم که در آن کانون به کمک استاد «اخوان» که الان استاد هنر در دانشگاه تهران هستند توانستم نقاشی رنگ روغن را نیز بیاموزم و هنر خوشنویسی را با بهره‌گیری از آموزه‌های استاد فاضل فرا گرفتیم. در سال ۱۳۶۴ با رتبه ۴۶ در دانشگاه هنر قبول شدم، اما به دلایلی نتوانستم در دانشگاه شرکت کنم. شرکت نکردن در دانشگاه برآیم از دودیدگاه مثبت و منفی است که دیدگاه مثبت آن این بود که زودتر به بازار کار روی آوردم و از هنر خود کسب درآمد کردم و دیدگاه منفی آن، آشنا نشدنم با استاد‌های فرهیخته‌ای که در دانشگاه‌ها وجود دارند، بوده است. آشنایی و همراهی با آنها پیشرفت فردی را که مایه کار را دارد، چندین برابر می‌کند. هنوز در این بخش احساس نیاز می‌کنم.

«مقام‌آوری که به دست آوردید را بفرمایید.

اصولاً آدم جشنواره‌ای نیستم. بعضی نه تنها در هنر بلکه حتی در علوم مختلف از این جشنواره غل می‌خورند به آن مسابقه کشوری یا محلی و غل خوردنشان تمامی ندارد. بنا به اصرار دوستانم در سال ۱۳۷۶ در جشنواره چاپ شرکت و با فرستادن آثارم مقام دوم را در کشور کسب کردم. نمی‌توانم مخفی کنم که این مقام، اشتیاقم را نسبت به کار هنری دو چندان کرد.

«برویم سب‌سراغ کامپیوتر و نرم‌افزارهای رنگارنگ

گرافیکی که بعضی می‌گویند بلای جان هنر است. برای پیشرفت در عرصه گرافیک نیاز به شناخت کامل از علاقمندی و شناخت توانمندی‌هاست. گرافیک‌سری را واقعاً گرافیکست می‌دانم که در ابتدا طراح شش دانگی باشد. باید در ادامه خط، نقاشی، نور و آیت‌های مختلفی را شناخت. به عنوان مثال نباید از دیدگاه نرم‌افزاری به رایانه نگاه کرد بلکه باید این وسیله را به عنوان وسیله و ابزاری دید که کمک‌رسان هنرمند است اما به خودی خود نمی‌تواند مبدع و آفریننده هنر باشد. کامپیوتر و هر چه در آن است صرفاً وسیله است.

«شنیده‌ایم قرآنی نفیس را با گرافیک و تذهیب کار کرده‌اید، درباره این کار توضیح می‌دهید؟

برای یکی از پروژه‌های قرآنی که از سال ۱۳۳۹ چاپی برایش انجام نگرفته بود تصمیم به چاپ دوباره در شمایل تازه گرفته شد. یک سوره را به عنوان نمونه در دو صفحه چاپ کردیم که نوع ورق کاغذ این صفحات ویژه و در قالب خشتی چاپ شده است. ترجمه آیه‌ها بر خلاف تمام قرآن‌ها در کنار آیه در همان صفحه نوشته شد. خوشنویسی اثر هم را استاد امیر خانی و تذهیب اولیه اثر را استاد عطاپور انجام دادند و من با نرم‌افزارهای مختلف سعی در بازآفرینی و ارتقاء آن داشتم. به دلیل اینکه چاپ این قرآن هزینه بالایی می‌برد، به حمایت مالی برای چاپ آن نیاز داریم.

«گرافیک در زندگی امروزی به چه کاری می‌آید؟

با توجه به این که گرافیک یک هنر ارتباطی بصری بین مخاطب و جامعه است، اگر این هنر به شیوه صحیح صورت بگیرد می‌تواند جامعه را به رشد برساند و نگاه مخاطبان را نسبت به اِلمان‌ها و پوسترهایی که در شهر وجود دارد، تغییر دهد. چون گرافیک تأثیر خود را بر محیط شهری می‌گذارد. اگر نصب پوستر و المان‌ها در شهر درست صورت بگیرد شاهد شهر پویاتری خواهیم بود.

«زمانی در و دیوار شهر خلوت بود اما این سال‌ها در و دیوار پر از رنگ و پیام‌های مختلف است. قبول دارید؟

بله. چند سال پیش، دوره‌ای که آقای مظفری مدیر امور هنری شهرداری بودند، جلسه‌ای برای زیباسازی شهر مشهد برگزار شد که مسئولان، هنرمندان و معماران در آن جلسه حضور داشتند. از همان زمان تا میزان قابل قبولی زیباسازی شهر به طور برنامه‌ریزی شده و دقیقی پیش رفت. پس از این دوره متأسفانه